



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی

اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

سری گزارش‌های تحلیلی اقتصاد استان خراسان جنوبی

عنوان گزارش

بررسی تاثیر تسهیلات اعطایی بانک‌ها بر ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی استان خراسان جنوبی

به نام خدا

شناسنامه گزارش

بررسی تاثیر تسهیلات اعطایی بانک ها بر ارزش افزوده بخش های اقتصادی استان خراسان جنوبی	عنوان گزارش
اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی	مجری
محمد بهروزی	مدیر طرح
حسین شرفی، امین خادم، مجتبی رسولی	همکاران
۱۴۰۰/۱۲/۳	تاریخ انتشار

فهرست مطالب

چکیده.....	۴
مقدمه.....	۵
بیان مسأله.....	۵
تعریف واژگان.....	۶
ضرورت، اهداف و فرضیه های تحقیق.....	۷
پیشینه مطالعات.....	۷
ارزش افزوده و تسهیلات اعطایی به بخش های اقتصادی استان.....	۱۱
روش تحقیق.....	۱۲
برآورد مدل و نتایج.....	۱۳
جمع بندی و ارائه توصیه های سیاستی.....	۱۵
منابع و مآخذ.....	۱۷

فهرست نمودارها

نمودار ۱. روند رشد ارزش افزوده بخش های اقتصادی استان به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵.....	۱۱
نمودار ۲. روند تسهیلات اعطایی به بخش های اقتصادی استان به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵.....	۱۲

چکیده

یکی از رایج ترین روش های تامین مالی بنگاه ها در ایران، استقراض از سیستم بانکی است. لذا اعطای تسهیلات به هر یک از بخش های اقتصادی، از متغیرهای مهم در اقتصاد می باشد. در این تحقیق اثر متغیر خالص مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانکی طی سال های ۱۳۸۴-۱۳۹۹ در بخش های کشاورزی، صنعت، خدمات بر ارزش افزوده آن بخش بررسی می شود. برای تخمین مدل، ابتدا ایستایی و همگرایی متغیرها آزمون شد، سپس برآورد مدل رگرسیونی روش حداقل مربعات معمولی با استفاده از نرم افزار SPSS در همه بخش ها انجام گردید.

نتایج تخمین مدل بخش های اقتصادی طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ بیانگر رابطه مثبت مانده تسهیلات اعطایی و ارزش افزوده همان بخش است. تاثیر مانده تسهیلات اعطایی بانک ها و موسسات اعتباری استان در هر بخش اقتصادی بر ارزش افزوده همان بخش به ترتیب اثر گذاری با ضرایب ۰.۶۱ برای بخش کشاورزی، ۰.۱۷ برای بخش صنعت و ۰.۱۴ برای بخش خدمات برآورد شده است.

خالص مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانکی استان بیشترین تاثیر را بر بخش های مولد اقتصاد از جمله بخش کشاورزی و صنعت استان دارد. لذا می توان با حمایت بیشتر و سرمایه گذاری بیشتر در حوزه صنایع بخش کشاورزی و معدنی استان به تقویت توان تولید این بخش ها و رشد تولید ناخالص داخلی استان کمک نمود.

واژگان کلیدی: تسهیلات اعطایی، ارزش افزوده، بخش های اقتصادی

یکی از مهمترین معیارهای مرتبط با درجه توسعه اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی و یا ارزش افزوده کل اقتصاد است که موتور محرکه اصلی این رشد، افزایش سرمایه گذاری می باشد. بدیهی است عوامل متعددی از قبیل متغیرهای پولی، مالی، سیاسی، ساختاری و غیره می توانند بر روند تغییرات سرمایه گذاری و همچنین رشد اقتصادی تأثیرگذار باشند. دسترسی واحدهای اقتصادی به تسهیلات بانکی نیز یکی از عوامل موثر در تغییرات سرمایه گذاری و تولید می باشد. از این رو سیستم بانکی، به عنوان نهاد کارآمد موسسات مالی و متولی سیاست پولی کشور، از طریق جذب پس اندازها، تجهیز منابع، اعطای اعتبار تخصیص منابع می تواند رشد اقتصادی و فرآیند توسعه بخش های اقتصادی را میسر سازد.

اعطای تسهیلات بخش مهمی از عملیات هر بانک را تشکیل می دهد. بانک ها با عملیات اعتباری خود امکان انتقال منابع از اشخاصی که مستقیماً مایل و یا قادر به مشارکت در فعالیت های اقتصادی نیستند به افرادی که جهت انجام امور اقتصادی نیازمند منابع مالی می باشند را فراهم ساخته و باعث تسهیل فعالیت های اقتصادی، افزایش سرمایه گذاری و تولید می شوند. بانک ها به کمک سیاست های اعتباری خود قادرند وسایل رشد و توسعه اقتصادی و یا بر عکس توقف و رکود اقتصادی را در کشور فراهم نمایند. اغلب مبانی نظری تأکید دارند که رابطه مثبتی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی وجود دارد. همچنین تسهیلات بانکی بر تولید و اشتغال تأثیر مثبتی دارد (پاتریک^۱، ۱۹۶۶).

با توجه به گسترش سیستم بانکی کشور در سال های اخیر و همچنین افزایش تسهیلات و خدمات بانک ها، بررسی تأثیر عملکرد سیستم بانکی بر رشد ارزش افزوده بخش های اقتصادی اهمیت زیادی پیدا کرده است. بدین منظور در این گزارش به بررسی آثار ناشی از تخصیص تسهیلات بانکی بر روی رشد ارزش افزوده بخش های اقتصادی کشاورزی، صنعت و خدمات با استفاده از داده های سالانه در طول دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۹ با مدل رگرسیونی روش حداقل مربعات معمولی بررسی می گردد.

بیان مسأله

در بعد توسعه مالی به نقش واسطه های مالی در جذب پس اندازها و هدایت آن به سمت سرمایه گذاری و در نهایت تشکیل سرمایه توجه می شود (صمدی، ۱۳۷۹). بخش های مختلف اقتصادی ایران (کشاورزی، صنعت، خدمات، مسکن) به لحاظ اهمیت خاصی که در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی دارند نیازمند سرمایه گذاری بوده که باید از طریق موسسات مالی و دولت تأمین مالی گردند. اتحادیه های اعتباری و بانک های تجاری که بعد از دهه ۱۹۵۰ به شدت گسترش یافتند و مسئولیت اجرای سیاست های پولی و تخصیص اعتبار را با استفاده از ابزارهای کیفی (نظیر محدودیت های اعتباری و منظور کردن اولویت در تخصیص اعتبارات و یا منع آن، اعتبارات تکلیفی برای بخشی از اقتصاد و ...) و کمی (نظیر سپرده قانونی، نرخ تنزیل مجدد، عملیات بازار آزاد به عهده دارند.

بر اساس مکانیزم اعتبارات بانکی که مبتنی بر بازارهای مالی است، انتقال سیاست پولی به سه روش تأثیر بر وضعیت منابع مالی بانک ها، تأثیر بر تأمین مالی خارج از بنگاه ها و همچنین در اختیار گرفتن نهاده بیشتر برای تولید محصول انجام می پذیرد بر اساس روش اول با اتخاذ سیاست پولی انبساطی قدرت وام دهی بانک ها افزایش می یابد. از این رو وجوه لازم برای تأمین مخارج سرمایه گذاری فراهم شده و موجبات افزایش تولید بنگاه ها فراهم می آید.

بر مبنای روش سوم سیاست پولی انبساطی موجب بکارگرفتن بیشتر عوامل تولید در جریان تولید می گردد. لذا انتظار می رود که محصول نیز افزایش یابد. همچنین جایگاه اعتبارات بانکی در ساختار مالی بنگاه ها مبنای اقتصاد خرد دارد یعنی در سطح

^۱ - patric

بنگاه، رابطه اعتبارات بانکی با سرمایه گذاری، اشتغال، مواد اولیه و در نتیجه تولید بنگاه ها تحلیل می شود. بنگاه ها برای تأمین مالی سرمایه گذاری می توانند از منابع داخلی و خارجی استفاده نمایند. منابع داخلی شامل ذخیره استهلاک و سود تقسیم نشده و منابع بیرونی شامل قرض گرفتن و انتشار اوراق قرضه و فروش سهام جدید است. با توجه به هزینه هر کدام از منابع مالی تصمیم سرمایه گذاری بنگاه ها تحت تاثیر قرار می گیرد (برانسون^۲، ۱۹۸۷).

بنابراین دانستن این نکته که تسهیلات اعطایی بانک ها چه اندازه در ایجاد و تغییر ارزش افزوده بخش های اقتصادی موثر بوده و نقش بارزی در توسعه هر یک از بخش ها داشته و همچنین اثر بخشی سیاست ها و ابزار های پولی در بخش های اقتصادی چگونه بوده است که عنوان گزارش حاضر را تشکیل می دهد و می تواند در اجرای سیاست های پولی و مالی در زمینه تخصیص اعتبارات بانکی بین بخش های اقتصادی روشن گری نموده و پرده از ابهامات بر دارد.

تعریف واژگان

تسهیلات بانکی: در واقع همان خروجی های اصلی بانک است که از طریق آن نقدینگی جامعه که به صورت سرگردان در سطح جامعه قرار گرفته، به مبادی تعریف شده و هدفمند اقتصادی تزریق می گردد. یعنی یک بانک که مجهز به منابع می باشد آن ها را در راستای اهدافی که از قبل تعیین و برنامه ریزی شده به مصرف می رساند؛ منابعی همچون سرمایه، حقوق صاحبان سهام و انواع سپرده ها.

ارزش افزوده: ارزش افزوده، ارزش اضافی ایجاد شده در جریان تولید است.

بخش های اقتصادی: بخش های اقتصادی که در این تحقیق بررسی می گردند، عبارتند از: ۱- بخش کشاورزی: زراعت و باغداری، پرورش حیوانات، گاوداری صنعتی، دام سنتی، مرغداری، پرورش زنبور عسل، کرم ابریشم، شکار و سایر فعالیت های کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری ۲- بخش صنعت: استخراج نفت خام، گاز طبیعی و خدمات پشتیبانی معادن، استخراج سایر معادن، تولید محصولات غذایی، تولید انواع آشامیدنی ها، تولید فرآورده های توتون و تنباکو، تولید منسوجات، تولید پوشاک، تولید چرم و فرآورده های وابسته، تولید چوب و محصولات چوبی به جز مبلمان، حصیر و مواد حصیر بافی، تولید کاغذ و فرآورده های کاغذی، چاپ و تکثیر رسانه های ضبط شده، تولید کک، فرآورده های حاصل از پالایش نفت، تولید مواد شیمیایی و فرآورده های شیمیایی، تولید داروها و فرآورده های دارویی و شیمیایی و گیاهی، تولید فرآورده های لاستیکی و پلاستیکی، تولید سایر فرآورده های معدنی غیرفلزی، تولید فلزات پایه، تولید محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین آلات و تجهیزات، تولید محصولات رایانه ای، الکترونیکی و نوری، تولید تجهیزات برقی، تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر، تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر، تولید سایر تجهیزات حمل و نقل، تولید مبلمان، تولید سایر مصنوعات، تعمیر و نصب ماشین آلات و تجهیزات، تولید، انتقال و توزیع برق، تولید و توزیع گاز طبیعی، آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت های تصفیه، ساختمان های مسکونی، سایر ساختمان ها ۳- بخش خدمات: عمده فروشی و خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتور سیکلت، حمل و نقل و انبارداری و پست، فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا، اطلاعات و ارتباطات، فعالیت های مالی و بیمه، املاک و مستغلات، فعالیت های حرفه ای، علمی و فنی، فعالیت های اداری و خدمات پشتیبانی، اداره امور عمومی، خدمات شهری و تأمین اجتماعی، آموزش، فعالیت های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی، فعالیت های هنر، سرگرمی، تفریح و سایر خدمات.

^۲-Branson

ضرورت، اهداف و فرضیه های تحقیق

در ایران با توجه به گسترش نیافتن بازار سرمایه به میزان لازم، امکان تأمین منابع سرمایه گذاری برای موسسات اقتصادی از بازار سرمایه و از طریق انتشار سهام و اوراق مشارکت به حد کافی وجود ندارد. علاوه بر این تأمین منابع از طریق بازارهای غیر رسمی سرمایه نیز به دلیل وجود نرخ های سود بالا دشوار است، بنابراین نه تنها موسسات بزرگ بلکه موسسات کوچک نیز سعی می کنند منابع لازم برای سرمایه گذاری را از طریق اعتبارات بانکی به دست آورند (ختایی و همکاران، ۱۳۸۴). اصلی ترین روش تأمین مالی بنگاه های اقتصادی، دریافت تسهیلات از بانک ها و موسسات مالی و اعتباری می باشد. لذا بانک ها و موسسات اعتباری نقش مهمی در اقتصاد ایران و رشد آن ایفا می کنند. در واقع اعطای تسهیلات به هر طرح اقتصادی یا بنگاه فعال در بخش های اقتصادی موجب افزایش سرمایه گذاری در آن بخش می شود. طبق معادله کلی تولید ملی، (تولید ملی = مخارج بخش خصوصی + سرمایه گذاری + مخارج دولت + صادرات - واردات) افزایش سرمایه گذاری سبب افزایش تولید ملی می گردد. (گریگوری، ۱۳۸۳) در نتیجه اعطای تسهیلات سیستم بانکی در هر یک از بخش های اقتصادی، موجب افزایش تولید ناخالص داخلی آن بخش و نهایتاً سبب افزایش تولید ملی می گردد.

نظریه های مختلفی درباره ارتباط بین تسهیلات اعطایی شبکه بانکی به عنوان یک متغیر پولی و سرمایه گذاری به عنوان یک متغیر واقعی اقتصاد، به صورت غیر مستقیم و از طریق تأمین وجوه سرمایه گذاری تأکید می ورزند و تمامی این نظریه ها نیز به تأثیر سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی تأکید می کنند (سلیمی فر و همکاران، ۱۳۸۱). اعطای تسهیلات یا تخصیص بهینه منابع توسط بخش مالی به عنوان یکی از متغیر های پولی موجب استفاده کارآمد وجوه سپرده گذاری شده توسط پس انداز کنندگان برای سرمایه گذاری در فرصت های مناسب اقتصادی می گردد، به عبارتی سبب افزایش ارزش افزوده می شود. هدف از انجام این تحقیق بررسی میزان و شدت اثر تسهیلات بانکی بر بخش های مختلف اقتصادی می باشد. انجام این تحقیق به سیاست گزار پولی کمک می کند تا بتواند تشخیص دهد که اعطای تسهیلات به کدام بخش اقتصادی تأثیر بیشتری بر رشد ارزش افزوده اقتصاد دارد. در خصوص تحقق اهداف مورد نظر در این پژوهش، فرضیه های تحقیق به صورت زیر مشخص می شوند:

- ۱- تسهیلات اعطایی به بخش های مختلف تأثیر مثبتی بر رشد ارزش افزوده این بخش ها دارد.
- ۲- میزان تأثیر رشد تسهیلات اعطایی در رشد ارزش افزوده بخش های اقتصادی مختلف متفاوت است.

پیشینه مطالعات

نظام اقتصادی ایران یک نظام بانک محور است که حدود ۸۵ درصد تأمین مالی در آن برعهده نظام بانکی است. این سهم بالا از جریان تأمین مالی، حساسیت نظام تسهیلات و اعتبارات بانکی را افزون ساخته است. بدیهی است تا زمانی که سهم بازار سرمایه ایران از این جریان مالی فراگیر نشده است، وضع نظام تسهیلات و اعتبارات بانکی اثر بزرگ و مستقیمی بر کل اقتصاد کشور بر جای می گذارد. این در حالی است که سیطره تحریم ها بر اقتصاد ایران و شیوع بیماری کرونا و تنگناهای مالی ناشی از آن فشار زیادی بر بودجه کشور وارد کرده که بخشی از این فشار در قالب تسهیلات تکلیفی بر دوش نظام بانکی است. از این رو، می توان اصلاح و تقویت ساختار اعطای تسهیلات و اعتبارات بانکی را یکی از مهم ترین وظایف نظام بانکی و بلکه کلیت اقتصاد کشور دانست (قلیچ، ۱۳۹۹).

در ادوار تاریخی پیشین، نظریه‌های مربوط به رشد اقتصادی، کمبود منابع واقعی مانند زمین و سرمایه را از محدودیت‌های عمده رشد و توسعه اقتصادی در نظر می‌گرفتند؛ اما، امروزه، نظریه‌های رشد به آزادی عمل بخش مالی و اهمیت آن در توسعه اقتصادی باور دارند. از دهه ۱۹۸۰ به بعد، گرایش کشورها به آزادسازی اقتصادی اقبال بیش‌تری یافته است.

سرکوب و آزادسازی مالی، موضوعاتی هستند که در دو دهه اخیر، به ویژه پس از چاپ کتاب‌های رونالد مک‌کینون^۳ (۱۹۷۳) و ادوارد شاو^۴ (۱۹۷۳) به طور گسترده مورد بحث و فحص قرار گرفته‌اند (یولک^۵، ۱۹۹۶). محققانی چون مک‌کینون و شاو (۱۹۷۳)، کاپور^۶ (۱۹۷۶) و ماتیسون^۷ (۱۹۸۰) سیستم بانکی و تسهیلات بانکی را راهبردی برای دستیابی به رشد اقتصادی می‌دانند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ مک‌کینون و شاو بر پایه مطالعات شومپتیر و با انتقاد از مقررات بازارهای مالی (تعیین سقف نرخ بهره، نرخ‌های بالای ذخایر قانونی و تخصیص دستوری اعتبارات) نظریه آزادسازی مالی را مطرح کردند (سیفی‌پور، ۱۳۹۰).

به اعتقاد آنها، حذف محدودیت‌های دولتی بر سیستم بانکی، باعث افزایش کمیت و کیفیت سرمایه‌گذاری می‌شود. آنها معتقدند که آزادسازی از محدودیت‌هایی هم‌چون سقف نرخ بهره، نرخ ذخیره قانونی بالا و برنامه‌های اعتبارات گزینشی، توسعه اقتصادی را تسهیل می‌نماید. این بدین دلیل است که وقتی نرخ بهره پایین‌تر از تعادل است، افزایش نرخ‌های بهره به سمت تعادل، پس انداز افراد در موسسات مالی را افزایش می‌دهد و در نتیجه به تخصیص کاراتر سرمایه منجر می‌شود. آنها معتقدند که نرخ بهره بالاتر در نتیجه آزادسازی مالی، خانواده‌ها را به افزایش پس‌انداز تشویق کرده و میانجی‌گری مالی را به همراه دارد؛ بنابراین، عرضه اعتبارات به بخش خصوصی زیاد می‌شود. این امر، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. افزون بر این، نرخ‌های بهره حقیقی به تخصیص کاراتر اعتبارات می‌انجامد که اثر مضاعفی بر رشد دارند.

به طور کلی، طرفداران اقتصاد بازار معتقدند شکوفای کردن بازارهای رقابتی، خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی، تجارت آزاد، جذب سرمایه‌های خارجی و حذف مقررات زاید دولتی و انحرافات قیمتی موجبات بالارفتن کارایی و رشد را فراهم خواهد آورد. در مقابل، منتقدان آزادسازی اقتصادی، پیامدهایی نظیر کاهش اقتدار دولت، افزایش نابرابری درآمدی و خروج سرمایه‌های ملی از کشور را مطرح می‌کنند. اصولاً عملکرد بهینه نظام اقتصادی در هر جامعه منوط به وجود دو بخش حقیقی و مالی کارا، مکمل، قدرتمند و تحت نظارت است. فعالیت این دو بخش در کنار یکدیگر، شرط لازم و کافی برای نظام اقتصادی مطلوب محسوب می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت بخش مالی تزریق‌کننده حیات به بخش حقیقی اقتصاد است (همان).

در واقع، دریافت وام و اعتبار و انتقال پول از یک فرد به فرد دیگر یا از یک نهاد به نهاد دیگر، نقش اساسی در تأمین اعتبار فعالیت‌های مختلف اقتصادی دارد. اعتبار و وام را می‌توان انتقال موقت قدرت خرید از یک فرد حقیقی یا حقوقی به فرد دیگر دانست. اعتبارات برای تأمین نهاده‌های مختلف تولیدی مانند نیروی کار، نهاده‌های سرمایه‌ای، فناوری و نیز خرید مواد اولیه مورد استفاده قرار گیرد و از این‌رو، اهمیت ویژه‌ای در رشد و توسعه فعالیت‌های تولیدی دارد (الزوبی^۸، ۲۰۱۸).

مدل‌های ارائه شده در زمینه رشد اقتصادی مانند نظریه رشد هارود-دوما^۹، سولو^{۱۰}، نظریه توسعه روستو^{۱۱} و مدل رشد نئوکلاسیک‌ها بر اهمیت نقش سیستم بانکی و سرمایه‌گذاری چه در بخش تقاضا و چه در بخش عرضه اقتصاد تأکید خاصی دارند. تأمین مالی سرمایه‌گذاری از طریق تسهیلات اعطایی به بخش‌های مختلف اقتصادی در فرایند تولید به عنوان یک عامل

^۳- Ronald McKinnon

^۴- Edward Shaw

^۵- Yulek

^۶- Kapur

^۷- Mathieson

^۸- Al-Zubi

^۹- Harrod – Domar Model

^{۱۰}- The Solow Growth Model

^{۱۱}- Walt Whitman Rostow

مهم مطرح است. در بحث‌های توسعه اقتصادی از مهم‌ترین عواملی که برای مدرن شدن جامعه ضرورت دارد، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه کافی است؛ زیرا داشتن نرخ رشد بالا از اهمیت خاصی برخوردار است و یکی از عوامل مهم در افزایش نرخ رشد اقتصادی، افزایش میزان سرمایه‌گذاری است و افزایش سرمایه‌گذاری به معنای افزایش توان اقتصادی کشور، کاهش واردات و افزایش ذخایر ارزی دولت و حرکت سریع‌تر به سوی پیشرفت اقتصادی است.

نقش مخصوص بانک‌ها به عنوان وام‌دهندگان به طبقاتی از وام‌گیرندگان بانکی موجب افزایش وام‌هایی می‌شود که مخارج سرمایه‌گذاری (احتمالاً مخارج مصرف‌کننده) را افزایش خواهند داد؛ بنابراین، اعمال سیاست‌های پولی انبساطی از طریق افزایش میزان سپرده‌های بانکی منجر به افزایش میزان منابع بانکی و به دنبال آن، افزایش میزان وام‌دهی بانک‌ها شده که این امر موجب تزریق منابع بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی از طریق وام و تسهیلات پرداختی می‌شود که در نهایت، افزایش رونق تولید و رشد اقتصادی را به دنبال دارد (شاهچرا و نائینی، ۱۳۹۰).

داخلی:

مرادی، اسمعیلی و احمدی (۱۳۹۷) به بررسی تأثیر رشد تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران پرداختند. برای این منظور از داده‌های سری زمانی مربوط به چهار بخش اقتصادی صنعت و معدن، کشاورزی، خدمات و مسکن در دوره ۱۳۹۵-۱۳۵۸ استفاده و مدل در چارچوب خودرگرسیون برداری با داده‌های تابلویی تصریح شد. نتایج نشان داد اگر یک تکانه به اندازه یک انحراف معیار در تغییرات رشد مانده تسهیلات بانکی به وقوع بپیوندد باعث افزایش رشد ارزش افزوده شده و پس از ده دوره اثر آن خنثی خواهد شد. اثر شوک تغییرات رشد مانده تسهیلات بانکی بر رشد سرمایه‌گذاری، عموماً با وقفه ظاهر شده و پس از ده دوره خنثی خواهد شد.

طاهرپور، محمدی و فردی (۱۳۹۷) نقش توزیع تسهیلات اعطایی بانک‌ها در رشد اقتصادی ایران را با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۳ و روش خودهم‌بسته با وقفه توزیعی^{۱۲} بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد ضریب لگاریتم شاخص توسعه مالی (نسبت مانده تسهیلات کل به تولید ناخالص داخلی) در کوتاه‌مدت و بلندمدت مثبت و معنادار بوده است که نشانگر نقش مثبت توسعه مالی در رشد اقتصادی است. در طرف مقابل، ضریب لگاریتم شاخص نسبت مانده تسهیلات تولیدی به غیرتولیدی نیز در کوتاه‌مدت و بلندمدت مثبت و معنادار بوده است که نشان‌دهنده اثر مثبت تسهیلات تولیدی است. به عبارت دیگر، افزایش تسهیلات بانکی اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد؛ اما، هرچه گرایش این تسهیلات به سمت تسهیلات تولیدی باشد، رشد اقتصادی بیش‌تر تحت تأثیر مثبت قرار خواهد گرفت.

غفاری، سعادت‌مهر، رنجبر فلاح، و سوری (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران در قالب یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی نیوکینزی پرداختند. در اقتصاد ایران نرخ سود بانکی (بهره) به صورت دستوری تعیین می‌شود و با توجه به نرخ‌های بالای تورم در ایران، منجر به منفی شدن نرخ بهره حقیقی شده و سرکوب مالی انجام می‌گیرد. در این تحقیق، بر اساس دیدگاه مکینون و شاو، تأثیر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی بر سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد ایران بررسی شده است. برای این منظور، ابتدا یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی نیوکینزی^{۱۳} برای اقتصاد ایران طراحی شد. این الگو شامل چهار بخش خانوار، بنگاه، بانک‌های تجاری، دولت و بانک مرکزی است. پس از آن، افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی به عنوان شوک وارده به مدل اعمال گردید. نتایج نشان داد، در اثر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی، حجم سپرده‌های بانکی افزایش می‌یابد؛ اما، سرمایه‌گذاری، تسهیلات بانکی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت کاهش یافته و به زیر

^{۱۲}- Autoregressive Distributed Lag

^{۱۳}- Dynamic stochastic general equilibrium modeling

مقدار بلندمدت خود کشیده می‌شوند. از این‌رو، افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی نه تنها رشد اقتصادی را افزایش نمی‌دهد؛ بلکه باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. بنابراین، فرضیه مکینون شاو در اقتصاد ایران رد می‌شود.

لزگی، فهیمه، علیرضا امینی و علی حقیقت (۱۳۸۸) اثربخشی تسهیلات اعطایی شبکه بانکی را بر رشد اقتصادی بخشهای عمده اقتصادی در استان قزوین بررسی نموده‌اند. در این تحقیق این نتیجه حاصل شد که افزایش تولید متناسب با افزایش اعطای تسهیلات سیستم بانکی نبوده است. میزان اثربخشی به کمک مدل‌های داده‌های تابلویی آزمون شد و نتیجه حاصل نشان داد که رابطه بین تولید و تسهیلات در بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، ساختمان و خدمات معنی‌دار ولی بسیار ضعیف و منفی بوده که نشان دهنده وجود عوامل دیگری در افزایش ارزش افزوده بخشهای اقتصادی است.

سعیدی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به بررسی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی با هدف ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی بر رشد و توسعه اقتصادی استان گلستان با استفاده از تحلیل رگرسیون و مدل داده‌های پانلی پرداخته است. در این پژوهش بانک‌های فعال استان گلستان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۷ بررسی شد. نتایج نشان داد تسهیلات بانکی به عنوان مکمل سرمایه تولیدکننده می‌تواند نقش مهمی در سرمایه‌گذاری و رشد تولید ایفا کند. بدین معنا، یک درصد افزایش در تسهیلات بانکی می‌تواند ارزش افزوده استان را به میزان ۰/۲۷ درصد افزایش دهد.

کمیجانی و محمودزاده (۱۳۸۷) در پژوهش خود به بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشد اقتصادی ایران پرداختند. بدین منظور، سهم فاوا از رشد اقتصادی ایران با رهیافت حسابداری رشد و با استفاده از روش تصحیح خطای برداری و داده‌های سری زمانی ۱۳۸۲-۱۳۳۸ در زیربازه‌های مختلف محاسبه شده است. نتایج نشان داد سرمایه غیرفاوا نقش غالب در اقتصاد داشته و حدود ۵۰ درصد رشد اقتصادی ایران را توضیح می‌دهد. سهم اشتغال از رشد اقتصادی ۳۸-۳۰ درصد و سهم بهره‌وری کل ۱۰-۷ درصد است. کشش تولیدی فاوا معنادار و در حدود ۰/۰۷ بوده و سهم آن از رشد اقتصادی ایران حدود ۷ درصد برآورد شده است. افزون بر این، رابطه علیت از طرف موجودی سرمایه فاوا بر تولید در کوتاه‌مدت و بلندمدت برقرار بوده و بازدهی ثابت نسبت به مقیاس در اقتصاد ایران وجود دارد.

خارجی:

مسعود کارشناس^{۱۴} در تحقیقی تابع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران را برای سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۶ با استفاده از سری‌های زمانی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی و حجم اعتبارات بانکی برآورد نموده است. براساس نتایج برآورد، سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی مکمل یکدیگرند. همچنین حجم اعتبارات بانکی بر سرمایه‌گذاری خصوصی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

راجان و زینگلز^{۱۵} به بررسی این فرضیه می‌پردازند که آیا توسعه مالی رشد اقتصادی را تسهیل می‌کند یا خیر؟ متغیر وابسته مدل متوسط نرخ رشد واقعی سالانه ارزش افزوده صنعت در ۴۳ کشور طی دوره ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ می‌باشد. براساس نتایج این دو، توسعه مالی اثر قابل توجهی بر نرخ رشد اقتصادی دارد که عبارت است از کاهش هزینه تأمین مالی برای بنگاههایی که شدیداً نیازمند آن هستند. توسعه مالی نقش سودمندی در رشد بنگاههای جدید ایفا می‌کند و به رشد ابداعات و به طور غیر مستقیم رشد اقتصادی منجر می‌شود.

^{۱۴} - Massoud karshenas, 1990

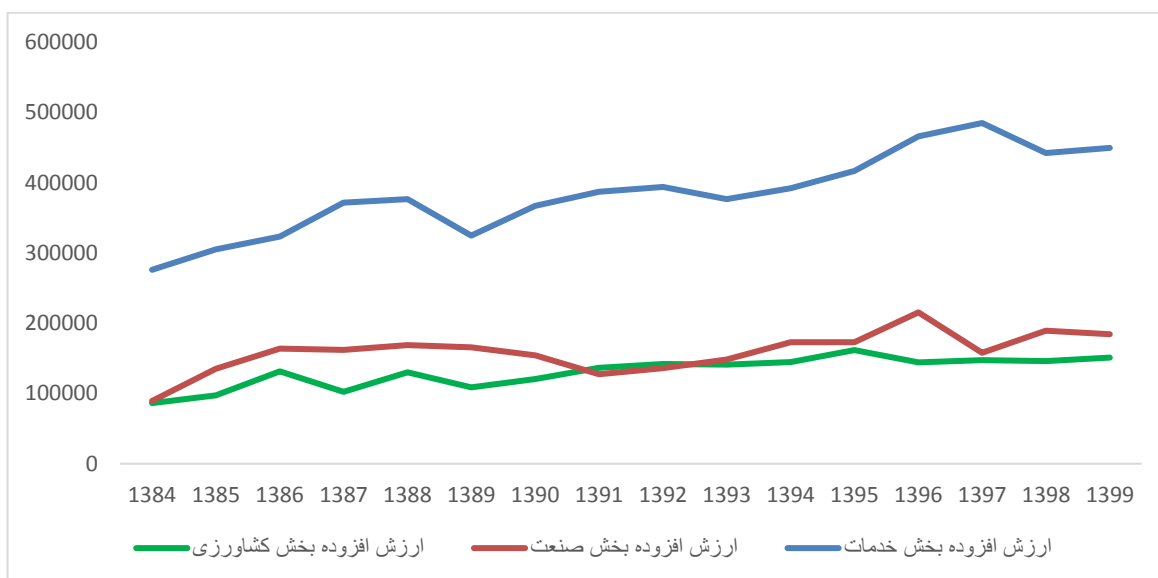
^{۱۵} - Raghuram G. Rajan & Luigi G. Zingales, 1996

پاگانو و لوین^{۱۶} نقش بانکها را به عنوان مهمترین عضو سیستم مالی در رشد اقتصادی بررسی نمودند. بانکها به سه روش عمده در رشد اقتصادی تأثیرگذارند: در روش اول سیستمهای مالی کارآمد میتوانند با تخصیص بهینه پس اندازها سبب افزایش بهره وری سرمایه و در نهایت رشد اقتصادی شوند. در روش دوم سیستمهای مالی کارآمد باعث تخصیص بهینه منابع از طریق افزایش نظارت و کنترل بر وام گیرندگان می شوند. و در روش سوم سیستمهای مالی با بهبود بخشیدن به توزیع ریسک سبب افزایش نرخ پس انداز و در نتیجه استفاده منابع بدست آمده در پروژه های سودآور اقتصادی می شوند. در نتیجه توسعه بخش مالی و واسطه گری های مالی از جمله بانک ها تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشور در بلند مدت دارند. این نتیجه توسط تحقیقات لوین(۱۹۹۷) در ۴۳ کشور در سطوح شرکت ها و صنایع مختلف با روش سری زمانی تأیید شده است.

ارزش افزوده و تسهیلات اعطایی به بخش های اقتصادی استان

روند رشد ارزش افزوده بخش های اقتصادی استان به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ در نمودار ۱ نشان داده شده است. روند ارزش افزوده به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ در هر سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ صعودی بوده است. در بین بخش های اقتصادی بخش خدمات بالاترین میزان ارزش افزوده را به خود اختصاص داده است. ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت از سال ۱۳۸۴ به ارزش ۸۶۲۳۲ میلیون ریال تا سال ۱۳۹۹ به ارزش ۱۵۰۸۳۸ میلیون ریال دارای روند صعودی بسیار کمی بوده است. ارزش افزوده بخش صنعت به قیمت ثابت از سال ۱۳۸۴ به ارزش ۸۹۲۹۶ میلیون ریال تا سال ۱۳۹۹ به ارزش ۱۸۱۴۱۷ میلیون ریال دارای روند صعودی بسیار کمی بوده است. ارزش افزوده بخش خدمات به قیمت ثابت از سال ۱۳۸۴ به ارزش ۲۷۵۹۳۲ میلیون ریال تا سال ۱۳۹۹ به ارزش ۴۴۹۴۳۹ میلیون ریال دارای روند صعودی بوده است.

نمودار ۱. روند رشد ارزش افزوده بخش های اقتصادی استان به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵

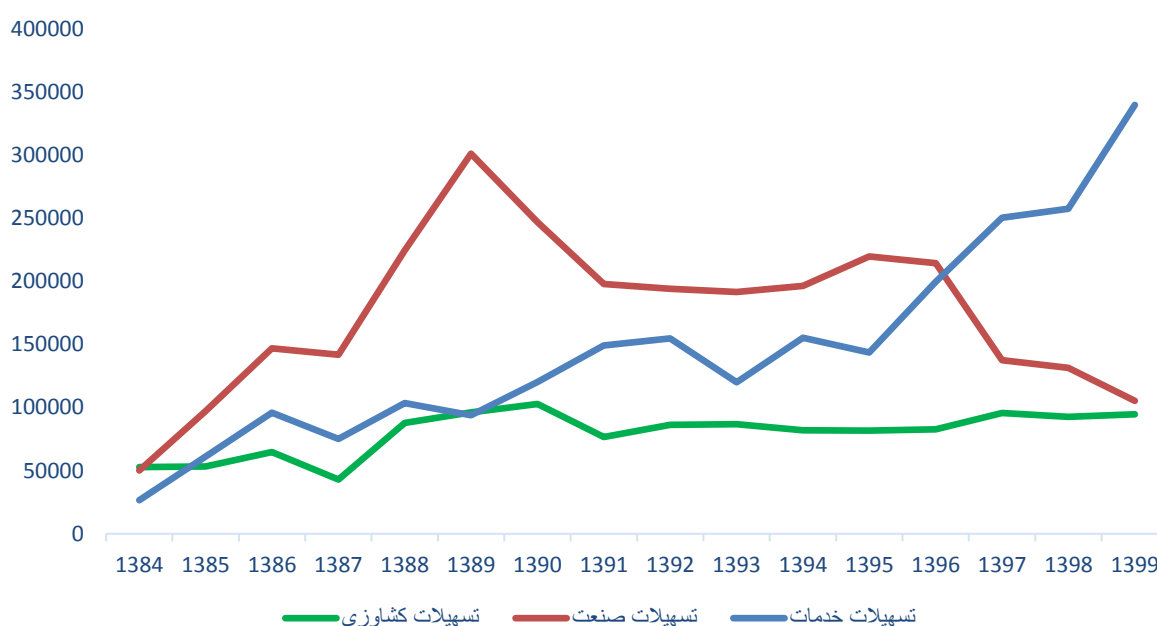


منبع: یافته های تحقیق

^{۱۶} - Levin & Pagano, 1997

روند تسهیلات اعطایی به بخش های اقتصادی استان به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ در نمودار ۲ نشان داده شده است. روند اعطای تسهیلات به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ در بخش خدمات همواره صعودی اما در بخش صنعت روند نزولی و در بخش کشاورزی دارای روند ثابت بوده است. تسهیلات اعطایی بخش کشاورزی به قیمت ثابت از سال ۱۳۸۴ به ارزش ۵۲۸۴۲ میلیون ریال تا سال ۱۳۹۹ به ارزش ۹۴۷۵۹ میلیون ریال دارای روند صعودی بسیار کمی بوده است. تسهیلات اعطایی بخش صنعت به قیمت ثابت از سال ۱۳۸۴ به ارزش ۵۰۱۴۸ میلیون ریال تا سال ۱۳۹۹ به ارزش ۱۰۵۲۰۱ میلیون ریال دارای روند صعودی بسیار کمی بوده است. البته در سال ۱۳۸۹ بیشترین میزان تسهیلات اعطایی را داشته است که در سالهای بعد دارای روند نزولی بوده است. تسهیلات اعطایی بخش خدمات به قیمت ثابت از سال ۱۳۸۴ به ارزش ۲۶۶۰۶ میلیون ریال تا سال ۱۳۹۹ به ارزش ۳۳۹۶۸۷ میلیون ریال دارای روند صعودی بوده است.

نمودار ۲. روند تسهیلات اعطایی به بخش های اقتصادی استان به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵



منبع: یافته های تحقیق

روش تحقیق

برای بررسی آثار مانده تسهیلات اعطایی بانکها و موسسات اعتباری به ارزش افزوده بخش های اقتصادی، مدل رگرسیونی به شرح ذیل تعریف می شود. در این مدل رگرسیونی که در هر بخش اقتصادی متغیر وابسته ارزش افزوده آن بخش به قیمت ثابت است و متغیرهای مستقل مدل شامل مانده تسهیلات اعطایی توسط بانک ها و موسسات اعتباری به هر بخش، نیروی کار شاغل در آن بخش و نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی بخش می باشد.

$$VA(t) = a + B_1 X(t) + B_2 LA(t) + B_3 RA(t)$$

$VA(t)$: ارزش افزوده بخش در سال t

$X(t)$: مانده تسهیلات اعطایی بانکها و موسسات اعتباری بخش در سال t

$LA(t)$: نیروی کار شاغل بخش در سال t

$RA(t)$: نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی بخش در سال t

برآورد مدل و نتایج

نتایج مدل در بخش کشاورزی بیانگر رابطه مثبت مانده تسهیلات اعطایی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی است. تسهیلات اعطایی به بخش کشاورزی با ضریب ۰.۶۱۶ بر ارزش افزوده این بخش تاثیر می گذارد. در این بخش رابطه بین اشتغال و ارزش افزوده منفی و همچنین رابطه بین سود و ارزش افزوده بخش کشاورزی مثبت می باشد.

Model Summary^b

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
۱	.۶۹۲۸	.۴۷۹	.۳۴۸	۱۷۴۵۱,۳۶۸	۱,۳۷۰

a. Predictors: (Constant), تسهیلات, اشتغال, نرخ سود, ارزش افزوده

b. Dependent Variable: ارزش افزوده

ANOVA^a

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
۱	Regression	۳۳۵۳۶۷۹,۰۲۶,۱۵۴	۳	۱۱۱۷۸۹۳,۰۰۸,۷۱۸	۳,۶۷۱	.۰۴۴ ^b
	Residual	۳۶۵۴۶۰,۲۹۶۷,۸۴۶	۱۲	۳۰۴۵۵,۰۲۴۷,۳۲۰		
	Total	۷۰۰۸۲۸۱۹۹۴,۰۰۰	۱۵			

a. Dependent Variable: ارزش افزوده

b. Predictors: (Constant), تسهیلات, اشتغال, نرخ سود, ارزش افزوده

Coefficients^a

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
۱	(Constant)	۴۹۸۸۳	۶۳۵۳۷,۶۵۸		.۷۸۵	.۴۴۸
	تسهیلات	.۶۱۶	.۳۱۵	.۵۰۰	۱,۹۵۷	.۰۷۴
	اشتغال	-.۱۷۶	۱۴۰,۸۴۷۶	-.۰۳۱	-.۱۲۶	.۹۰۲
	نرخ سود	۲۳۶۶	۱۶۲۹,۷۷۷	.۳۲۱	۱,۴۵۲	.۱۷۲

a. Dependent Variable: ارزش افزوده

$$VA(t) = 49883 + 0.616 X(t) - 176 LA(t) + 2366 RA(t)$$

بخش صنعت:

نتایج مدل در بخش صنعت بیانگر رابطه مثبت مانده تسهیلات اعطایی بر ارزش افزوده بخش صنعت است. تسهیلات اعطایی به بخش صنعت با ضریب ۰.۱۷۴ بر ارزش افزوده این بخش تاثیر می گذارد. در این بخش رابطه بین اشتغال و ارزش افزوده منفی و همچنین رابطه بین سود و ارزش افزوده بخش صنعت مثبت می باشد.

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	.۵۳۵ ^a	.۲۸۶	.۱۰۸	۲۷۱۶۵,۲۵۷۴۴

a. Predictors: (Constant), , تسهیلات, اشتغال, نرخ سود

ANOVA^a

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
۱	Regression	۳۵۴۷۵۹۷۳۵۶,۹۰۰	۳	۱۱۸۲۵۳۲۴۵۲,۳۰۰	۱,۶۰۲	.۲۴۱ ^b
	Residual	۸۸۵۵۴۱۴۵۴۴,۰۳۸	۱۲	۷۳۷۹۵۱۲۱۲,۰۰۳		
	Total	۱۲۴۰۳۰۱۱۹۰۰,۹۳۸	۱۵			

a. Dependent Variable: ارزش افزوده

b. Predictors: (Constant), تسهیلات, اشتغال, نرخ سود

Coefficients^a

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
۱	(Constant)	-۲۷۸۰.۴	۱۱۴۷۴۹,۲۱۴		-.۲۴۲	.۸۱۳
	تسهیلات	.۱۷۴	.۱۱۲	.۳۸۴	۱,۵۴۹	.۱۴۷
	اشتغال	۳۱۰۰	۲۹۱۰,۰۳۳	.۳۰۴	۱,۰۶۶	.۳۰۸
	نرخ سود	۳۸۹۵	۲۵۰۱,۸۱۷	.۴۴۳	۱,۵۵۷	.۱۴۵

a. Dependent Variable: ارزش افزوده

$$VA(t) = -2780.4 + .174 X(t) + 3100 LA(t) + 3895 RA(t)$$

بخش خدمات:

نتایج مدل در بخش خدمات بیانگر رابطه مثبت خالص مانده تسهیلات اعطایی بر ارزش افزوده بخش صنعت است. تسهیلات اعطایی به بخش خدمات با ضریب ۰.۱۴۷ بر ارزش افزوده این بخش تاثیر می گذارد. در این بخش رابطه بین اشتغال و ارزش افزوده مثبت و همچنین رابطه بین سود و ارزش افزوده بخش خدمات منفی می باشد.

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	.۹۲۲ ^a	.۸۵۰	.۸۱۲	۲۵۳۷۴,۹۸۳۸۵

a. Predictors: (Constant), تسهیلات, اشتغال, سود, نرخ

ANOVA^a

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
۱	Regression	۴۳۶۷۲۹۹۴۸۷۰,۷۴۳	۳	۱۴۵۵۷۶۶۴۹۵۶,۹۱۴	۲۲,۶۰۹	... ^b
	Residual	۷۷۲۶۶۷۷۶۶۳,۱۹۵	۱۲	۶۴۳۸۸۹۸۰۵,۲۶۶		
	Total	۵۱۳۹۹۶۷۲۵۳۳,۹۳۸	۱۵			

a. Dependent Variable: ارزش افزوده

b. Predictors: (Constant), تسهیلات, اشتغال, سود, نرخ

Coefficients^a

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
۱	(Constant)	-۱۴۰۳۷۲	۱۵۴۸۸۰,۹۰۸		-.۹۰۶	.۳۸۳
	تسهیلات	.۱۴۷	.۱۸۸	.۲۰۴	.۷۸۲	.۴۴۹
	اشتغال	۱۵۲۱۹	۵۶۳۲,۱۲۶	.۸۶۸	۲,۷۰۲	.۰۱۹
	نرخ سود	-۳۸۴۳	۳۰۹۵,۵۴۷	-.۲۱۵	-۱,۲۴۲	.۲۳۸

a. تولید: Dependent Variable:

$$VA(t) = -140372 + .147 X(t) + 15219 LA(t) - 3843 RA(t)$$

جمع‌بندی و ارائه توصیه‌های سیاستی

نتایج تخمین مدل بخش های اقتصادی طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ بیانگر این است که تسهیلات اعطایی علاوه بر رشد ارزش افزوده بخش های تولیدی مانند بخش های کشاورزی، صنعت بر رشد ارزش افزوده بخش بازرگانی موثر است. مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانکی بر ارزش افزوده بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات اثر مثبت دارد. تاثیر خالص مانده تسهیلات اعطایی بانک ها و موسسات اعتباری استان در هر بخش اقتصادی بر ارزش افزوده همان بخش به ترتیب اثر گذاری با ضرایب ۰.۶۱ برای بخش کشاورزی، ۰.۱۷ برای بخش صنعت و ۰.۱۴ برای بخش خدمات می باشد.

مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانکی استان بیشترین تأثیر را بر بخش های مولد اقتصاد از جمله بخش کشاورزی و صنعت استان دارد. لذا می توان با حمایت بیشتر و سرمایه گذاری بیشتر در حوزه صنایع بخش کشاورزی و معدنی استان به تقویت توان تولید این بخش ها و رشد تولید ناخالص داخلی استان کمک نمود. همچنین پیشنهادات به شرح زیر جهت اثر بخشی تسهیلات به بخش های اقتصادی ارائه می شود.

- جهت رشد محصول ناخالص داخلی استان لازم است سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنعت و معدن استان رشد و توسعه یابد این امر با تغییر مدیریت و شیوه توزیع منابع اعتباری استان از بخش خدمات و بازرگانی به بخش صنعت و معدن، امکان پذیر است و باعث برگشت منابع و افزایش اشتغال خواهد شد.
- هدایت تسهیلات تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ موضوع تولید و بهره وری به بخش های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع معدنی؛
- تسهیل شرایط بهرمندی بنگاه های اقتصادی استان از تسهیلات تبصره ۱۸ قانون بودجه با توجه موانع چون بدهی معوق بانکی، چک برگشتی و بدهی مالیاتی و
- برنامه ریزی جهت استفاده از منابع بانک های خصوصی و مؤسسات اعتباری استان جهت سرمایه گذاری های ایجاد و توسعه ای طرح های سرمایه گذاری و تعیین سهمیه برای سرمایه گذاری بانک های خصوصی در استان.
- تجهیز منابع بانک های دولتی و خصوصی استان از طریق متمرکز شدن حساب شرکت ها و سرمایه گذاران در داخل بانکهای استان؛
- تدوین بسته تشویقی و حمایتی ویژه مناطق کمتر توسعه یافته و کم برخوردار با لحاظ مشوق هایی چون کاهش دادن نرخ سود تسهیلات بانکی و افزایش یارانه سود تسهیلات طرحها از محل کمکهای فنی و اعتباری؛ استفاده مجدد فعالان اقتصادی از تسهیلات سرمایه در گردش صندوق و برقراری تعرفه های ترجیحی ممتاز جهت استفاده از تسهیلات صندوق توسعه ملی در شهرستان بیرجند و بخش مرکزی شهرستان قاینات؛
- اعطای تسهیلات وجوه اداره شده برای تقویت و نوسازی بنگاه های اقتصادی غیر دولتی و برای سرمایه گذاری بخش غیر دولتی در مناطق کمتر توسعه یافته.
- ایجاد سامانه رصد و نظارت اعطای تسهیلات در بخش های اقتصادی بمنظور سنجش کارایی و اثر بخشی اعطای تسهیلات در خصوص رشد تولید و اشتغال.

منابع و مأخذ

- قلیچ، وهاب (۱۳۹۹). ملاحظات بر اصلاح ساختار تسهیلات بانکی
- مرادی، ابراهیم، سید مرتضی غفاری اسمعیلی، آرش احمدی (۱۳۹۷). تأثیر رشد تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، ۱۱(۳۵)، صص ۱-۲۴
- طاهرپور، جواد، محمدی، تیمور، فردی، رضا (۱۳۹۷). نقش توزیع تسهیلات اعطایی بانک‌ها در رشد اقتصادی ایران، پژوهش‌نامه اقتصادی، ۱۸(۶۹)، صص ۱۳۳-۱۶۲
- نوری زاده، مرضیه و عسگری، علی و نظریان، رافیک (۱۳۹۲). تأثیر خالص مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها بر ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی، بیست و سومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، تهران.
- شجاعت وکیل‌کندی، فرامرز، زنوزی، جمال الدین (۱۳۹۲). بررسی تأثیر حجم تسهیلات بانکی بر روی رشد ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، معدن، بازرگانی، مسکن) پایان‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه ارومیه، دانشکده اقتصاد ۱۳۹۲
- غفاری، هادی، سعادت مهر، مسعود، رنجبر فلاح، محمد رضا، سوری، علی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران در قالب یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی نیوکینزی، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۰(۱)، صص ۱-۳۱
- سیفی‌پور، رویا (۱۳۹۰). بررسی تجربی اثر آزادسازی مالی بر رشد گروهی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته (با تأکید بر ایران)، فصلنامه اقتصاد مالی، ۵(۱۴)، صص ۳۵-۵۲
- شاهچرا، مهشید، میرهاشمی نائینی، سیمین (۱۳۹۰). تحلیل تأثیرات شوک سیاست پولی بر تسهیلات شبکه بانکی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۸)، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، ۱(۴)، صص ۹۱-۱۱۸
- لزگی، فهیمه، امینی، علیرضا، حقیقت، علی (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل میزان اثربخشی تسهیلات اعطایی شبکه بانکی را بر رشد اقتصادی بخش‌های عمده اقتصادی در استان قزوین طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴، مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۴۹، صص ۷۳-۹۲
- سعیدی، پرویز (۱۳۸۸). ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی، پژوهش‌نامه اقتصادی، ۶، صص ۱۶۷-۱۹۳
- کمیحانی، اکبر، محمودزاده، محمود (۱۳۸۷). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشد اقتصادی ایران (رهیافت حسابداری رشد)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۸(۲)، صص ۷۵-۱۰۷
- ختایی، محمود و سیفی‌پور، رویا (۱۳۸۴). اثر نرخ سود تسهیلات بانکی بر سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، مجله پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۱۸، صص ۲۱۷-۲۳۶
- ن. منکیو، گریگوری (۱۳۸۳). اقتصاد کلان، ترجمه: دکتر حمید رضا برادران شرکاء و دکتر علی پارسائیان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۳۵
- سلیمی‌فر، مصطفی و قوی، مسعود (۱۳۸۱). تسهیلات بانک‌ها و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳، صص ۱۳۵-۱۷۰
- صمدی، علی حسین، (۱۳۷۹). گسترش مالی و رشد اقتصادی، مجله برنامه و بودجه، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، صص ۱۰۵-۱۳۲

- Yulek, Murat, A. (۱۹۹۶). Financial repression, selective credits and endogenous growth: Orthodoxy and heresy. Working Paper ۹۶۰۴
- Mckinnon, R.I. (۱۹۷۳). Money and capital in economic development, Washington, DC: Brooking Institution
- Kapur, B. K. (۱۹۷۶). Alternative stabilization Policies for less developed economics, Journal of political economy, ۸۴ (۴): ۷۷۷-۷۹۶.
- Shaw, E. S. (۱۹۷۳). Financial deepening in economic development, New York, Oxford University Press.
- Patrick, H. T. "Financial Development and Economic Growth in underdeveloped Countries"., Journal Economic Development. No. ۱۴, (۲), (۱۹۶۶): ۱۷۴- ۸۹
- <https://www.ibena.ir/news>